

ایرج افشار

عزت‌الله فولادوند

ای عاشق تاریخ وطن، ایرج افشار
گنجینه و گنجور سخن، ایرج افشار
تنها به نگهبانی میراث نیاکان
کوشیده ز جان، سرّ و علن، ایرج افشار
کردی به مصاف سپه دشمن این ملک
از علم، زره جامه به تن، ایرج افشار
چونان پدر خویش، همه عمر نوشتی
با خون دل از عشق وطن، ایرج افشار
نام از تو گرفته است و نشان از قلم تو
بر متن فراموش کهن، ایرج افشار
مشتی نه که هر ذره این خاک تو را بود
خوشبوی تر از مشگِ ختن، ایرج افشار
آزاده افتاده تو بودی که نبوده است
غیر از تو بدین خویِ حَسَن، ایرج افشار
بر جان و تن خسته و رنجور تو آمد
بس درد و بلا، رنج و محن، ایرج افشار

گهواره فرهنگ جهان - کشور حافظ -
 در سوک تو شد بیتِ حزن، ایرج افشار
 گر ابر، سیه پوشد از این درد، بشاید
 بر بام و در و دشت و دمن، ایرج افشار
 ز آن روی که همراه تو پیمود شب و روز
 این کوه و کمر، باغ و چمن، ایرج افشار
 در دیده ودلهاست، نه بر خاک و نه از گل
 بهر تو بهین گور و کفن، ایرج افشار
 نام تو بلند اخترِ تاریخ بماناد
 ای چشم وطن، عقد پرن، ایرج افشار
 امسال بهاران مرا، مرگ خزان باد
 دور از تو الا سرو و سمن، ایرج افشار
 نالد ز فراق تو و داغ تو به هر بیت
 این شعر غم‌آلوده من، ایرج افشار

کرج، ۲۱/۱۲/۸۹